فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره نهم، شماره‌ی ٤، بهار ١٤٠٠، صفحات ١٣٢-١١٣

مقاله پژوهشی

فعالیت تشکل‌های غیردولتی پس از زلزله‌ی استان کرمانشاه: مطالعه‌ی موردی محله‌ی فولادی سرپل ذهاب از منظر جامعه‌ی سانحه دیده

پویا علاءالدینی[1] ؛ ایمن سادات سخنی[2]

تاریخ دریافت: ١٤٠٠/٠٦/٠٨ تاریخ پذیرش: ١٤٠٠/٠٩/١٠

چکیده

این مقاله به تحلیل فعالیت تشکل‌های غیردولتی در منطقه‌ی سانحه دیده‌ی استان کرمانشاه پس از زلزله‌ی ٢١ آبان ١٣٩٦ می‌پردازد. جهت گردآوری و تحلیل اطلاعات رویکردی کیفی در قالب مطالعه‌ی موردی (تک مکان، توصیفی و اکتشافی) به کار گرفته شده‌است. به‌طور مشخص، جمع‌آوری داده‌ها از طریق مشاهده و بحث گروهی متمرکز در محله‌ی فولادی سرپل ذهاب صورت گرفته است. تعدادی مصاحبه نیز با مطلعان محلی و مدیریت تشکل‌های غیردولتی انجام شده است. محورهای اصلی بحث شامل جلب اعتماد جامعه‌ی محلی، خدمات عرضه‌شده جهت زنان و کودکان، بهداشت و بازتوانی روانی، اشتغال و کارآفرینی و توانمندسازی و بازسازی بوده‌است. میزان شناخت از تشکل‌های غیردولتی و سطح اعتماد به آن‌ها و سایر ذی‌نفوذان (به‌ویژه بخش عمومی) نیز بررسی شده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان اعتماد مردم نسبت به نهادهای بخش عمومی کم و نسبت به تشکل‌های غیردولتی و گروه‌های مردمی قابل قبول بوده‌است. عملکرد تشکل‌های غیردولتی در مرحله‌ی نخست امدادرسانی، از جمله در زمینه‌ی تهیه‌ی ملزومات اولیه و خدمات‌رسانی و به‌ویژه جهت زنان و کودکان مورد اقبال جامعه‌ی سانحه دیده قرار گرفته است. در عین حال، انتقادات زیادی نسبت به عملکرد تشکل‌های غیردولتی در زمینه‌های اشتغال و کارآفرینی و تهیه‌ی زیرساخت‌های بهداشتی و نیز بازسازی وارد شده‌است.

واژه‌های کلیدی: تشکل‌های غیردولتی؛ زلزله؛ سرپل ذهاب عملکرد؛ کرمانشاه

[1] عضو هیأت علمی گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی، دانشگاه تهران. ایران (نویسنده مسؤول)
palaedini@ut.ac.ir

[2] دانشجوی دکتری توسعه‌ی اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
emen.sokhani@gmail.com

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

مقدمه

سوانح طبیعی تقریباً در همه جای دنیا رخ می‌دهند و با توجه به روند رشد جمعیت و توسعه‌ی ناپایدار در برخی از مناطق دنیا خسارات ناشی از آن‌ها در آینده افزایش خواهد یافت. در عین حال، خسارات و تلفات عمده‌ی سوانح مربوط به کشورهای در حال توسعه است و ایران نیز در میان آن‌ها قرار دارد (بنگرید به جهانگیری، ۱۳۹٤؛ زارع و کامران‌زاده، ۱۳۹٦؛ سازمان ملل متحد[3]، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰). نقش تشکل‌های غیردولتی در پیوند با امدادرسانی و بازسازی پس از سوانح طبیعی مانند زلزله (و نیز در زمینه‌ی ارتقای تاب‌آوری) در کنار نهادهای بخش عمومی در بسیاری از کشورها طی زمان پررنگ شده است (لاسا[4]، ۲۰۱۸؛ گیبسون و ویزنر[5]، ۲۰۱۹). طبق تعریف سازمان ملل متحد (۲۰۱۷)، تشکل‌های غیردولتی نهادهایی غیرانتفاعی و مستقل از دولت هستند که بر مبنای کار داوطلبانه‌ی اعضایشان شکل گرفته‌اند و در سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی فعالیت می‌کنند. بسیاری از تمهیدات توسعه‌ای در مقیاس خرد به یاری تشکل‌های غیردولتی صورت می‌گیرد. یکی از مزیت‌های این تشکل‌ها توانایی‌شان در لحاظ کردن فرهنگ و خرد بومی جامعه‌ی محلی است (بنگرید به عنبری، ۱۳۹۳). ادامه‌ی حیات تشکل‌های غیردولتی، صرف نظر از ماهیت داوطلبانه‌شان، به تأمین منابع مالی کافی وابسته است. از این‌رو، ممکن است تحت تأثیر علایق تأمین‌کنندگان مالیشان نیز قرار گیرند که با استقلالشان در تناقض است (بنگرید به مایو و کرگ[6]، ۱۹۹۵). این امر شاید در حوزه‌ی سوانح برجسته‌تر باشد و به‌ویژه نحوه‌ی مداخله‌ی تشکل‌های غیردولتی پس از بحران توسط تأمین‌کنندگان مالی‌شان تعیین شود. در عین حال، ممکن است تأمین‌کنندگان مالی فقط به دنبال کمک به تشکل‌های غیردولتی باشند و آن‌ها را جهت فعالیت مطابق تخصص‌شان تشویق و ترغیب کنند. مسأله‌ی دیگر همکاری بین ذی‌نفعان مختلف، از جمله تشکل‌های غیردولتی و نهادهای دولتی، در شرایط بحران و نیز بازتوانی و بازسازی است که شکل دادن به آن خالی از دشواری نیست (بنگرید به خان و عاشق‌الرحمن[7]، ۲۰۰۷).

افزایش تعداد تشکل‌های غیردولتی در اواخر دهه‌ی هفتاد خورشیدی در کشور ایران از یک سو و فعالیت قابل توجه آن‌ها در زلزله‌ی بم از سوی دیگر سبب شده‌است که این سازمان‌ها تا حدی جایگاه خود را در فرآیند مدیریت بحران تثبیت نمایند. مستندسازی‌های اندکی از عملکرد تشکل‌های غیردولتی پس از زلزله‌ی بم و برخی دیگر از بلایای طبیعی در ایران موجود است، که

[3] United Nations
[4] Lassa
[5] Gibson & Wisner
[6] Mayo & Craig
[7] Khan & Ashiqur Rahman

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

بیشتر از منظر خود این سازمان‌ها تهیه شده‌است. اما ارزیابی فعالیت تشکل‌های غیردولتی پس از وقوع بلایای طبیعی از منظر مردم سانحه دیده کمتر مورد عنایت قرار گرفته‌است. از این‌رو، سؤالات متعددی در مورد نقش تشکل‌های غیردولتی ایران در پیوند با سوانح طبیعی همچنان بی‌پاسخ مانده است، از جمله: با توجه به فعالیت‌های در حال گسترش تشکل‌های غیردولتی پس از حوادث طبیعی در ایران، شناخت و درک مردم جامعه محلی از آن‌ها در چه سطحی قرار دارد؟ این شناخت و آگاهی بر چه پایه‌ای به وجود آمده است؟ فعالیت تشکل‌های غیردولتی نزد مردم سانحه دیده تا چه اندازه اثربخش تلقی می‌شود و چالش‌های آن چیست؟

هدف از مقاله‌ی حاضر پاسخ به سؤالاتی از این دست از طریق تحلیل فعالیت تشکل‌های غیردولتی پس از زلزله‌ی ۱۳۹٦ کرمانشاه از منظر جامعه‌ی سانحه دیده‌است. تحقیق میدانی بر محله‌ی فولادی سرپل ذهاب متمرکز شده‌است. در بخش بعدی، در باب نقش تشکل‌های غیردولتی در پیوند با سوانح به اجمال بحث و به تجارب ایران نیز اشاره می‌شود. در ادامه، روش تحقیق جهت جمع‌آوری اطلاعات میدانی توضیح داده می‌شود. متعاقباً محدوده‌ی هدف پژوهش توصیف می‌شود و یافته‌های تحقیق میدانی مورد تحلیل و بحث قرار می‌گیرد و از آن‌ها جمع‌بندی می‌شود.

نقش تشکل‌های غیردولتی در پیوند با سوانح

نمودار شماره‌ی یک، از مقاله‌ی شاو[8] (۲۰۰۳) در مورد نقش تشکل‌های غیردولتی در پیوند با زلزله در قاره‌ی آسیا اقتباس شده‌است. طبق آن، بلافاصله بعد از وقوع سانحه مهارت کلیدی برقراری ارتباط با افراد جامعه‌ی محلی برای تشکل‌های غیردولتی ضروری است. در مرحله‌ی بعدی قابلیت بازتوانی و رسیدگی به وضعیت آسیب‌دیدگان برجسته می‌شود. طی این مراحل تشکل‌های غیردولتی باید بتوانند نیازهای مردم را در اسرع وقت برآورده کنند و در عین حال از دوباره‌کاری پرهیز نمایند. در مرحله‌ی بازسازی نقش تشکل‌های غیردولتی به‌عنوان حلقه‌ی واسط میان مردم و دولت اهمیت می‌یابد. در این مرحله، تشکل‌های غیردولتی باید بتوانند نیازها و اولویت‌های جامعه‌ی محلی را در امر بازسازی شناسایی کنند و آن‌ها را به دولت انتقال دهند. این تشکل‌ها باید در تمامی این مراحل درس‌های آموخته‌ی خود را مستندسازی کنند تا از این تجارب برای کاهش اشتباهات و افزایش آمادگی خود و سایر ذی‌نفعان در بحران بعدی استفاده شود. حوزه‌های متعارفی که تشکل‌های غیردولتی در آن‌ها در پیوند با سوانح (به‌ویژه زلزله) فعالیت می‌کنند شامل موارد ذیل است: آموزش؛ آمادگی؛ آگاهی؛ حلقه واسط بین مردم و دولت در فرآیند بازسازی؛ تهیه ملزومات اولیه؛ محیط‌زیست و اعتبارات خرد. هم‌چنین تشکل‌های غیردولتی ممکن است در تحقیقات و مطالعات در حوزه‌های

[8] Shaw

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

متفاوت پس از زلزله نقش ایفا کنند. پایداری فعالیت‌ها، انعطاف‌پذیری و انگیزه از جمله‌ی مهم‌ترین مواردی است که در موفقیت تشکل‌های غیردولتی نقش دارد (همان).

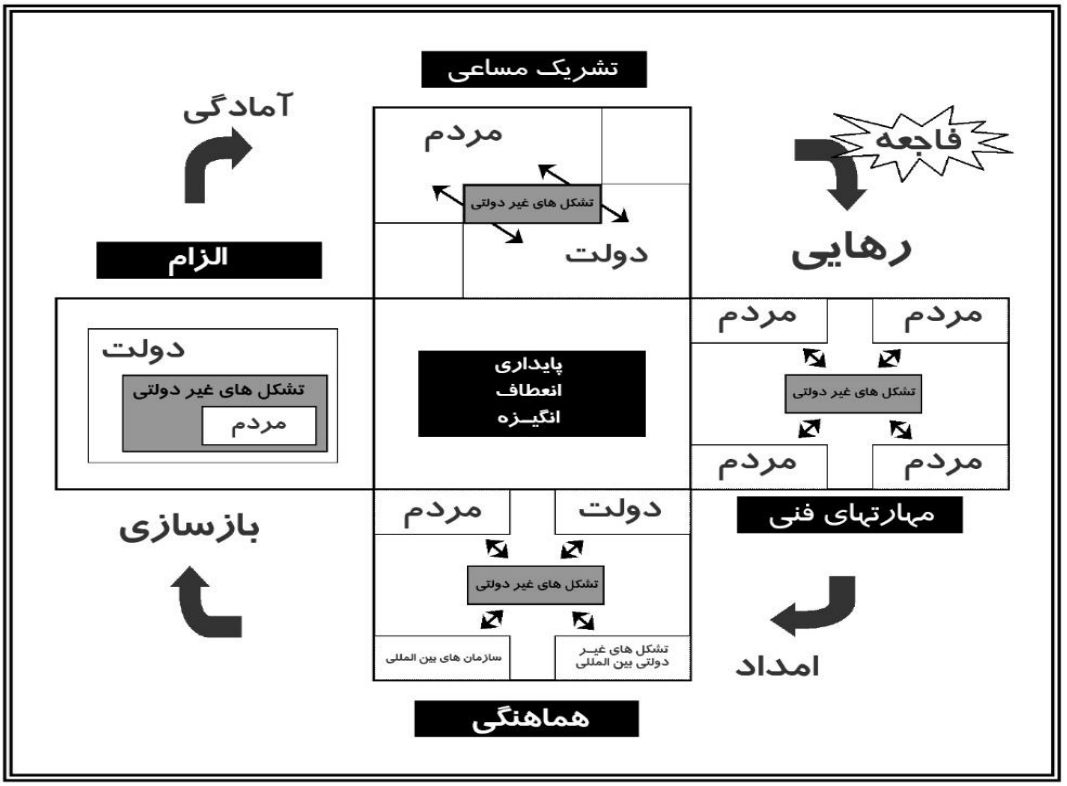

نمودار شماره‌ی یک: چارچوب عملکرد موفقیت‌آمیز تشکل‌های غیردولتی

منبع: اقتباس از شاو، ۲۰۰۳

به علت دسترسی محدود به منابع مالی قابل اعتنا قبل از بحران، تشکل‌های غیردولتی اغلب فقط می‌توانند در مقیاس‌های کوچک در زمینه‌ی آموزش جوامع هدف فعال باشند؛ مگر این‌که طی برنامه‌ی خاصی که از سوی دولت یا سازمان‌های بین‌المللی تأمین مالی شده به فعالیت بپردازند. اما در روزهای اولیه پس از بحران بسیج نیروها در تمام حوزه‌ها و به‌ویژه مشارکت تشکل‌های غیردولتی بیشتر از هر زمان دیگری است. تسریع در روند دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر به آب، غذا و کمک‌های اولیه از دیگر وظایف تشکل‌های غیردولتی بلافاصله پس از فاجعه است. هم‌چنین، تشکل‌های غیردولتی در این زمان باید ارزیابی قابل قبولی از گروه‌های آسیب‌پذیر و نحوه‌ی دسترسی‌شان به منابع داشته باشند. پس از اتمام مرحله‌ی خدمات‌رسانی و با شروع مرحله‌ی بازسازی

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

دوباره حضور تشکل‌های غیردولتی کمرنگ می‌شود، اگرچه تشکل‌هایی که با هدف توانمندسازی و بازتوانی روانی و مقولاتی از این دست (که مقولاتی دراز مدت هستند) به حضور خود در منطقه‌ی هدف ادامه می‌دهند. لذا می‌توان سیر حضور تشکل‌های غیردولتی در بحران‌های طبیعی را به‌صورت منحنی‌ای در نظر گرفت که نقطه‌ی اوج آن روزها یا ماه‌های اولیه‌ی پس از بحران است. بررسی تجارب بین‌المللی حاکی از آن است که مهم‌ترین حوزه‌های ورود تشکل‌های غیردولتی معطوف به زنان و کودکان است؛ بیشترین تعداد داوطلبان، به‌ویژه در مناطقی مانند آسیای جنوب شرقی، را نیز زنان تشکیل می‌دهند. کمک‌های کم‌هزینه و حاشیه‌ای اغلب توسط زنان و تشکل‌های غیردولتی حامی حقوق زنان و کودکان انجام می‌شود (بنگرید به شاو، ۲۰۰۳؛ شاو و گودا[9]، ۲۰۰٤).

مردم ایران به‌طور سنتی به حضور در فعالیت‌های امدادی گرایش دارند. اعضای اجتماعات محلی در واکنش به سوانح طبیعی اغلب به‌طور خودانگیخته گروه‌هایی تشکیل می‌دهند و در عملیات امداد و نجات حضور می‌یابند. مثلا در واکنش به زلزله تعداد قابل ملاحظه‌ای داوطلب همواره آماده‌ی حضور و یاری‌رسانی هستند. اما بهره‌گیری سازمان‌یافته از خدمات سازمان‌های غیردولتی و تشکیلات محلی مردمی همچنان نیازمند صورت‌بندی تمهیداتی بهتر است. البته در سال‌های گذشته فعالیت‌هایی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های غیردولتی در دستور کار قرار گرفته و سازوکارها و نقشه‌های عملیاتی تهیه شده‌است. این فعالیت‌ها از جمله شامل راهبردها و نقشه‌های عملیاتی معطوف به کاهش آثار سوانح بر جوامع آسیب‌پذیر بوده و برای تشکل‌های غیردولتی مسئولیت‌هایی مشخصی در نظر گرفته‌شده است (بنگرید به علاءالدینی، ۱۳۹۰: ۱۵-۳۲).

در سطح بین‌المللی، مطالعات نسبتاً زیادی در مورد فعالیت تشکل‌های غیردولتی در پیوند با سوانح در دست است (از جمله گیبسون و ویزنر، ۲۰۱۹؛ لاسا، ۲۰۱۸؛ شاو و گودا، ۲۰۰٤؛ شاو، ۲۰۰۳)، که به برخی از مهم‌ترینشان پیش از این ارجاع شد. بعضی متون بین‌المللی دیگر به تجارب کشورهایی پرداخته‌اند که در آن‌ها نقش تشکل‌های غیردولتی عموماً بسیار پررنگ و نیز امکانات بالقوه‌ی فعالیت مؤثرشان به‌ویژه در کاهش ریسک بلایای طبیعی نسبتاً زیاد است (مثلاً لونا[10]، ۲۰۰۱؛ کوسوماساری[11]، ۲۰۱۹؛ صدیقی[12] و همکاران، ۲۰۲۰). اما مطالعات اندکی در مورد فعالیت تشکل‌های غیردولتی ایران به دنبال بلایای طبیعی انتشار یافته که اکثر آن‌ها مروری بوده و در اصل در همایش‌ها ارائه شده‌است. صرف نظر از مقالات اخیر، فلاح و حسینی‌نژاد (۲۰۱۸) به نقش تشکل‌های غیردولتی در شهر بم پس از رخداد زلزلهٔ سال ۱۳۸۲ پرداخته و با برجسته ساختن اهمیت

[9] Shaw & Goda
[10] Luna
[11] Kusumasari
[12] Seddiky

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

آن تمهیداتی را جهت بهبود فرآیند آماده‌سازی و پاسخ‌گویی هنگام وقوع سوانح پیشنهاد کرده‌اند. اطلاعات مورد استفاده در مطالعهٔ مذکور تنها از خود تشکل‌ها و برخی متخصصان به دست آمده-است. لذا تحلیل فعالیت بخش غیردولتی از منظر بهره‌وران در پی بروز سوانح زلزله همچنان مغفول است و مقالهٔ حاضر می‌کوشد که این خلاء را تا حدی پر کند. نظر به موانع تاریخی، سیاسی و اجتماعی مشارکت جامعه‌ی مدنی در ایران از یک سو و فعالیت نسبتاً زیاد تشکل‌های غیردولتی پس از بروز سوانح از سوی دیگر، چنین ارزیابی‌ای بسیار بااهمیت و ضروری است. سؤالات پژوهش در ادامه ذکر می‌شود.

سؤالات پژوهش

آیا قبل از زلزله جامعه‌ی محلی با تشکل‌های غیردولتی و فعالیت‌هایشان آشنایی داشته است؟ بعد از وقوع سانحه وضع چگونه بوده است؟ ارزیابی اعضای جامعه‌ی محلی از فعالیت تشکل‌های غیردولتی پس از وقوع سانحه در حوزه‌های مختلف و مراحل متفاوت چیست؟ هم‌چنین، بررسی تأثیری که تشکل‌های غیردولتی بر بازسازی کالبدی و بازتوانی روانی بعد از زلزله می‌گذارند از یک سو و تحلیل رابطه‌ی نقش‌آفرینان جامعه‌ی مدنی و بخش عمومی حائز اهمیت است.

روش تحقیق

تمرکز مقاله‌ی حاضر بر فعالیت تشکل‌های غیردولتی در پی زلزله‌ی اخیر در استان کرمانشاه است. در انتخاب جامعه‌ی هدف پژوهش، یعنی اهالی محله‌ی فولادی سرپل ذهاب، شاخص‌هایی چون میزان تخریب فیزیکی و تنوع مذهبی (برجستگی هر سه مذهب شیعه، سنی و یارسان) بیشترین اهمیت را داشته‌اند. توضیح آن‌که در بازدید اکتشافی از منطقه‌ی هدف، دو محله‌ی زعفران و فولادی که بیشترین آسیب را از ناحیه‌ی زلزله دیده بودند و بیشترین میزان تخریب را داشتند مورد توجه قرار گرفتند و در نهایت محله‌ی فولادی، نظر به تنوع مذهبی بیشتر آن، به‌عنوان جامعه‌ی هدف برگزیده شد.

جهت گردآوری و تحلیل اطلاعات روش کیفی در قالب مطالعه‌ی موردی (تک مکان[۱۳]، توصیفی[۱٤] و اکتشافی[۱۵]) به کار گرفته‌شده است. طبق نظر یین[۱٦] (۲۰۰۳)، در مطالعات موردی، رویکرد اکتشافی مناسب وضعیتی است که در آن مداخلات حائز مجموعه‌ی مشخص یا واضحی از پیامدها نباشد. جمع‌آوری داده‌های اصلی از طریق مشاهده و بحث گروهی متمرکز در محله‌ی

[13] single-site
[14] descriptive
[15] exploratory
[16] Yin

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

فولادی سرپل ذهاب صورت گرفته است. تعدادی مصاحبه نیز با مطلعان محلی و مدیریت تشکل‌های غیردولتی انجام شده که هم به منظور صورت‌بندی فرایند بحث‌های گروهی متمرکز لازم بوده و هم امکان تصدیق یافته‌ها را فراهم آورده است.

فعالیت میدانی طی آبان ماه ۱۳۹٦ لغایت اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ انجام شده است. مشاهدات میدانی همراه با مکالمات گه‌گاهی با اهالی در مشاهده نامه ثبت شده‌است؛ به‌خصوص موضوعاتی مانند نقاط تجمع اهالی، تعامل زنان و مردان و ملاحظات جنسیتی، سنی و مذهبی مورد توجه قرار گرفته‌است. سعی بر این بوده‌است که هنگام برگزاری جلسات گروه‌های بحث متمرکز کل فرآیند پژوهش برای افراد تشریح و از سوء برداشت جلوگیری شود؛ به‌ویژه از آن‌جا که جامعه‌ی محلی نسبت به ورود افراد بیگانه حساسیت پیدا کرده بود. این موضوع هم به درخواست کمک و دادخواهی از سوی مردم از همه‌کس ربط داشته و هم به دید منفی آنان نسبت به گروه‌های تحقیقاتی که فعالیت‌شان بی‌ثمر تلقی می‌شده‌است. به منظور اعتمادسازی و غلبه بر مشکلات آن (از جمله مساله‌ی هم‌زبانی)، از همکاری یکی از اعضای جامعه‌ی محلی استفاده شده‌است. به دلیل وضع موجود، برگزاری گروه‌های متمرکز برای مردان و زنان به‌صورت مجزا صورت گرفته‌است. هم‌چنین، نظر به ملاحظات سنی (احترام کوچک‌ترها نسبت به بزرگ‌ترها و در نتیجه اتخاذ وضعیت انفعالی در گروه)، گروه‌های متمرکز جوانان و میان‌سالان نیز جداگانه تشکیل شده‌است. برگزاری هر گروه متمرکز بین ۱ ساعت تا ۱ ساعت و ۲۰ دقیقه به طول انجامیده است. به‌طور معمول، پس از پایان بحث در گروه‌های متمرکز، به‌ویژه در مورد گروه‌های زنان و با توجه به ایجاد فضای دوستانه، گفت‌وگوها با تعداد کمتر و در حوزه‌های مختلف ادامه یافته است. مکان مصاحبه در کانکس هر منطقه بوده‌است. از آن‌جا که کل محله‌ی فولادی بنا بر تنوع مذهبی به سه بلوک تقسیم شده بود، در هر بلوک بحث‌های گروهی متمرکز به‌طور مجزا برگزار شده‌است. در کل، ۱۲ بحث گروهی متمرکز صورت گرفته است تا اشباع نظری حاصل آید. معیار اشباع در پیوند با چارچوب تحلیلی و سؤالات تحقیق تعیین شده‌است (ساندرز[17] و همکاران، ۲۰۱۸).

مطلعان کلیدی مصاحبه شده شامل شش نفر از اهالی بوده‌اند که پس از زلزله به‌صورت فعال در فرآیند امداد و بازسازی مشارکت داشته‌اند. به غیر از آنان، با چهار تن از مسئولان تشکل‌های غیردولتی فعال در منطقه‌ی سرپل ذهاب نیز مصاحبه به عمل آمده است.[۱۸] مصاحبه شدگان از

[17] Saunders

[۱۸] بدین‌وسیله از مطلعان محلی، مسئولان تشکل‌های غیردولتی و نیز همه‌ی شرکت‌کنندگان در گروه‌های بحث متمرکز سپاس‌گزاری می‌شود.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

تشکل‌های غیردولتی جمعیت امام علی، «با من بخوان»[۱۹]، مهرگان و شبکه‌ی یاری کودکان بوده‌اند. تمام بحث‌های گروهی و مصاحبه‌ها ضبط و سپس با امانت‌داری کامل پیاده‌سازی شده‌است (نکته آن‌که تعداد زیادی از افراد در گروه‌های بحث متمرکز با زبان فارسی آشنایی کافی نداشته‌اند و فرآیند ترجمه باید با دقت بالایی صورت می‌گرفت). در ابتدا به استخراج کدهای توصیفی از درون متن پرداخته شده و پس از تبدیل کدها به مفاهیم انتزاعی‌تر و ادغام آن‌ها در چند مرحله مقوله‌های نهایی به‌دست آمده‌است. مقولات نهایی شامل اعتماد، احساس تبعیض، مسائل زنان و کودکان، بهداشت و بازتوانی روانی، توانمندسازی و بازسازی و عملکرد سلبریتی‌ها (هنرمندان و ورزشکاران) شده-است.

یافته‌ها

بر اساس اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، جمعیت شهرستان سر پل ذهاب ۸۵٤۳۲ نفر (٤۵ هزار و ٤۸۱ نفر شهری و بقیه روستایی) بوده‌است. مردم آن به زبان کردی کلهری، کردی سورانی، کردی گورانی و کردی سنجاوی تکلم می‌کنند. تعداد اهالی محله‌ی فولادی در شهر سرپل ذهاب هنگام وقوع زلزله حدوداً ۵۰۰ نفر تخمین زده شده‌است. پیروان سه مذهب سنی، شیعه و یارسان در کنار هم در این شهر زندگی می‌کنند. شغل عمده‌ی اهالی در گذشته کشاورزی بوده، ولی خشک‌سالی‌های پی‌درپی سبب بیکاری گسترده و ظاهراً تغییر تدریجی ساختار شغلی گشته است.

طبق گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه (۱۳۹۷)، کانون زلزله‌ی ۲۱ آبان ۱۳۹٦ استان کرمانشاه (به بزرگی ۷،۳ در مقیاس ریشتر) در حد فاصل بخش ازگله در شهرستان ثلاث باباجانی تا بخش‌هایی از شهرستان سرپل ذهاب قرار داشته‌است. این زلزله ۲٤ بخش و ٦۲ دهستان و ۱۹۳۰ روستا را تحت تاثیر قرار داده و موجب فوت ٦۲٦ نفر و مصدومیت ۷۸۱۷ نفر شده‌است. آثار زلزله بر شمار زیادی از روستاها و نیز بر شهرهای سرپل ذهاب، کرند غرب، قصر شیرین و ثلاث باباجانی بسیار بزرگ بوده‌است (تخریب زیرساخت‌ها و واحدهای کشاورزی و صنعتی، از دست رفتن اشتغال و فوت سرپرستان خانوارها). پس از زلزله، نهادها و افراد مختلفی به منظور امدادرسانی، بازتوانی و بازسازی وارد منطقه شده‌اند و تعاملات مختلفی را با جوامع محلی رقم زده‌اند (بنگرید به علاءالدینی و همکاران، ۱۳۹۹).

یافته‌های تحقیق میدانی جهت مطالعهٔ حاضر ذیل این موضوعات به بحث گذاشته می‌شود:

[۱۹] کانکس «با من بخوان» نوعی پناهگاه کودکان بوده که از ۲۷ آبان ماه ایجاد شده‌است و کودکان می‌توانسته‌اند در آن کتاب بخوانند، بازی کنند و ساعاتی را به دور از هیاهوهای زلزله بگذرانند.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

شناخت نسبت به تشکل‌های غیردولتی، اعتماد، احساس تبعیض، زنان و کودکان، سلامت و بهداشت روان، توانمندسازی و بازسازی و عملکرد سلبریتی‌ها.

شناخت نسبت به تشکل‌های غیردولتی

اگرچه اعضای جامعه‌ی محلی قبل از وقوع زلزله آشنایی اندکی با تشکل‌های غیردولتی داشته‌اند، ولی وقوع زلزله در مدت‌زمان کوتاهی شناخت آنان را افزایش داده‌است. مشخصاً اکثر افراد شرکت‌کننده در گروه‌های متمرکز معتقد بودند که زلزله در سرپل ذهاب موجب آشنایی‌شان با تشکل‌های غیردولتی شده‌است و قبلاً کمتر با آن‌ها آشنا بوده‌اند. یکی از شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز در این‌باره چنین اظهار نمود: «ما قبل از زلزله اصلا اسم تشکل‌های غیردولتی به گوشمان نخورده بود، ولی بعد از زلزله آمدند خودشان را معرفی کردند. مثلاً "با من بخوان" برای بچه‌های ما کتاب‌خانه زده‌است. بهشان کتاب می‌دهد. یک تعداد اسباب‌بازی هم گذاشتند که بچه‌ها با آن‌ها بازی می‌کنند؛ یا "امام علی" کانکس داده و خوراکی؛ مهرگان آمده برای بعضی زن‌ها چرخ خیاطی آورده و به ما آموزش داده چیز بدوزیم؛ بعضی‌ها آمدند با ما مخصوصاً با بچه‌هامان حرف زدند». به گفته‌ی یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز: «برای بچه‌ها عالی بودند؛ کار اساسی انجام ندادند؛ در زمینه‌ی پزشکی بد نبودند». از نتایج بحث‌های گروهی می‌توان استنباط کرد که حضور تشکل‌های دولتی در منطقه در پی زلزله‌ی کرمانشاه سبب شده که در مورد مفهوم تشکل‌های غیردولتی در میان جامعه‌ی هدف آگاهی نسبتاً زیادی ایجاد شود. آنان حساب تشکل‌های غیردولتی را از حساب دولت جدا می‌دانستند و متوجه بودند که هر یک از تشکل‌ها در زمینه‌ی مخصوص خود فعالیت می‌کند. به‌عنوان مثال، می‌دانستند که برخی از تشکل‌های غیردولتی در حوزه‌ی کودکان فعالیت می‌کنند و برخی در حوزه‌ی زنان. هم‌چنین، مردم از غیرانتفاعی بودن فعالیت‌های تشکل‌های غیردولتی درک مناسبی داشتند. با این حال، تعداد اندکی از افراد شرکت‌کننده در بحث‌های گروهی قائل به تمایز فعالیت‌های تشکل‌های غیردولتی مختلف نبودند و انتظار داشتند که هر کدام بتواند در تمام حوزه‌ها فعالیت کند. صحبت‌های یکی از مردان جوان در گروه متمرکز این مسأله را نشان می‌دهد: «این تشکل‌ها برای کارهای اساسی ما هیچ کاری نکردند؛ ما الان در این گرما و در این کانکس‌ها ... زیر آفتابیم؛ به ما کمک شود که خانه‌هایمان را بسازیم؛ یک فکر اساسی برای ساخت‌وساز و بیکاری ما بکنند. ما نمی‌گوییم کار این‌ها بد بوده؛ نه تا اینجا عالی بوده و ما دستشان را هم می‌بوسیم، ولی از این به بعد به ما کمک کنند برای رفع مشکل بیکاری و ساخت و ساز در منطقه. الان این تشکل به‌جای این‌که بیاید با بچه‌ها کتاب بخواند بیاید کمک کند خانه‌های ما ساخته شود».

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

اعتماد به تشکل‌های غیردولتی

از دلایل ارتقای آگاهی مردم نسبت به تشکل‌های غیردولتی می‌توان به استقرار کانکس‌های آن‌ها در نقاط تجمع اصلی مردم از یک‌سو و سرکشی مرتب آن‌ها به زلزله‌زدگان در هر کانکس از سوی دیگر اشاره کرد. افراد حاضر در بحث‌های گروهی متمرکز تشکل‌های غیردولتی را تا حدی جزوی از مردم می‌دانستند، درحالی‌که نسبت به نهادهای دولتی نوعی واکنش منفی نشان می‌دادند. از جمله، در میان همه‌ی گروه‌های مذهبی (شیعه، سنی یا یارسان)، زنان و مردان رده‌های سنی مختلف ذکر این جمله شنیده می‌شد: «دولت هیچ کاری برای ما انجام نداده است». به گفته‌ی یکی از زنان جوان اهل حق: «والله اگر این تشکل‌ها و مردم نبودند ما مرده بودیم؛ دولت برای ما هیچ کاری انجام نداده؛ ما زنده دست این مردمیم». البته این جملات بیشتر حاکی از اعتماد اعضای جامعه‌ی محلی به تشکل‌های غیردولتی در مقایسه با سازمان‌های دولتی است تا نشان‌دهنده‌ی گستره‌ی واقعی فعالیت‌های این دو نوع نهاد. هم‌چنین، باید سایر عوامل را در ایجاد این اعتماد در نظر گرفت، از جمله میزان زیاد کمک‌های مردمی و نیز کاهش احساس طردشدگی جامعه‌ی محلی. وضع پیش آمده موجب شده بود که اعضای جامعه‌ی محلی خود را به بقیه‌ی مردم ایران نزدیک‌تر ببینند. طبق گفته‌ی یکی از مردان جوان: «لااقل فهمیدیم هستیم و مردم دوستمان دارند. ما فکر می‌کردیم مردم ما ر ا فراموش کرده‌اند».

میزان اعتماد در مرحله‌ی پاسخگویی بسیار برجسته بوده‌است. با گذشت زمان و گذار از مرحله‌ی اسکان موقت به مرحله‌ی بازسازی میزان رضایت از عملکرد تشکل‌های غیردولتی سیر نزولی طی نموده‌است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که موجب انتقاد مردم از عملکرد تشکل‌های غیردولتی و کاهش اعتمادشان نسب به آن‌ها شده، عدم پایداری فعالیت‌ها بوده‌است (طی دوره‌ی نسبتاً کوتاه آبان ماه ۱۳۹٦ لغایت پایان گردآوری اطلاعات تحقیق حاضر در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷). بخشی از این انتقادات در واقع کلی‌تر و در مورد حضور افراد غریبه‌ی گوناگون ابراز می‌شد که نهایتاً به غیر از صحبت کردن کار خاصی انجام نداده بودند. این امر سبب شده بود که مردم محلی نسبت به ورود هر غریبه‌ای حساس شوند، به‌ویژه طی مرحله‌ی بازسازی. نکته آن‌که اغلب کمک‌های صورت‌گرفته از سوی تشکل‌های غیردولتی مقطعی و مربوط به مرحله‌ی پاسخگویی بوده‌است. در این میان بوده‌اند تشکل‌هایی که وعده‌ی بازگشت و تمدید کمک‌ها را داده ولی به قول خود وفا نکرده و لذا اعتماد جامعه‌ی محلی را نسبت به تشکل‌های غیردولتی خدشه‌دار کرده بودند.

احساس تبعیض

مسأله‌ی دیگر گستردگی حس تبعیض در میان اعضای جامعه‌ی محلی در پیوند با خدمات و کالاهای عرضه‌شده توسط سازمان‌ها دولتی، تشکل‌های غیردولتی و نیز سلبریتی‌ها بود. بسیاری از

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

مردم احساس می‌کردند، مورد ظلم واقع شده‌اند و حقوقشان در فرآیند کمک‌رسانی به‌طور یکسان رعایت نشده‌است. اکثر شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز بر این باور بودند که به آنان کمتر از دیگران کمک شده است. حس تبعیض در پیوند با فعالیت‌های سازمان‌های دولتی بیشتر از تشکل‌های غیردولتی بود. از مهم‌ترین موضوعاتی که سبب شده بود جامعه‌ی محلی در فرآیند کمک‌رسانی احساس تبعیض کند نحوه‌ی توزیع کالاها و خدمات بود. اما گلایه‌های اعضای جامعه‌ی محلی از وضعیت کمک‌رسانی از سوی دولت و از طرف تشکل‌های غیردولتی تفاوت داشت. گلایه از دولت به علت عدم مدیریت مناسب در فرآیند کمک‌رسانی بود که به سبب آن عده‌ای به هر دلیلی بهره‌ی بیشتری از کالاها و خدمات عرضه‌شده در منطقه برده بودند. گلایه از تشکل‌های غیردولتی بیشتر به توزیع کالا و خدمات بدون ارتباط نزدیک با جامعه و به واسطه‌ی برخی از افراد محلی باز می‌گشت. اکثر شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز بر این باور بودند که افراد غیرمستحق کالاها و خدماتشان را تصاحب کرده‌اند. حس تبعیض در میان اعضای جامعه‌ی محلی را می‌توان به چند بخش ذیل تقسیم کرد.

- حس تبعیض بین شهر و روستا: بیشتر شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز بر این عقیده بودند که اکثر کالاها و خدمات عرضه‌شده در پی زلزله به مناطق روستایی تعلق گرفته و میزان بهره‌مندی ساکنان شهر سرپل ذهاب به نسبت بسیار کمتر بوده‌است. این موضوع محل تردید و در عین حال نشان‌دهنده‌ی فقدان اطلاع‌رسانی درست در منطقه‌ی حادثه‌دیده است.
- حس تبعیض در دسترسی: در محله‌ی فولادی، ساکنان نواحی نزدیک‌تر به مکان مسکن مهر معتقد بودند که به علت دشواری دسترسی از برخی از کمک‌ها محروم مانده‌اند. طبق نظر آنان، کمک‌ها به‌طور معمول در اول هر محله تقسیم شده و کمتر در دسترسشان قرار می‌گرفته است. به گفته‌ی یک مرد جوان: «این‌که شما می‌گویید جمعیت زیاد شده برای این است که گداتر از خودمان به هوای این کمک‌ها آمدند اینجا و چادر زدند و زودتر از ما کانکس گرفتند. ما مجبور بودیم دم خانه‌هایمان چادر و کانکس بزنیم، ولی کسانی که دلبستگی نداشتند رفتند سر جاده و چون سر جاده بودند و توی چشم بودند زودتر از همه کمک گرفتند؛ کانکس گرفتند، مخصوصاً آن اوایل که حساب و کتابی هم نبود. بعد کانکس را فروختند ۷ میلیون و بزرگ‌ترش را تا ۱۱ میلیون هم فروختند. دوباره آمدند توی چادر و یک کانکس دیگر گرفتند و فروختند و میلیونر شدند. ناهار و شامشان هم مجانی بود. کلی هم وسیله گرفتند. بعد هم که آن وسایل را فروختند ... بعد از زلزله از

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

این خرده‌فروش‌ها می‌آمدند پیش این‌ها و مفت مفت هرچه مردم به ما کمک کرده بودند را می‌خریدند و می‌رفتند».

- حس تبعیض بر پایه‌ی میزان آسیب‌پذیری: طبق نظر شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز، بیشترین کسانی که مورد حمایت قرار گرفته بودند شامل معلولان، کودکان و زنان می‌شدند و نیز خانوارهای دارای افراد بیمار و کهن‌سال. این تمرکز در خدمات‌رسانی تا حدی سبب ایجاد احساس منفی در میان دیگر گروه‌ها شده بود. به گفته‌ی یکی از زنان در بحث‌های گروهی متمرکز: «کلاً توی این زلزله همه چیز برای بچه‌ها خوب بود. برایشان گروه‌های نمایشی آوردند و نمایش دادند؛ با بچه‌ها بازی کردند؛ برایشان کتابخانه زدند. بیشترین کمک‌های لباس و چیزهای دیگر هم به بچه‌ها شد. هر کسی آمد می‌خواست آن‌هایی را که بچه دارند یا معلول دارند ببیند؛ هر تشکلی آمد برای بچه‌ها و معلولان برنامه داشت. خیلی هم کارشان خوب است، ولی از حد گذراندند؛ آن‌قدر که مردم عاصی شدند و به هم معلول کرایه می‌دادند». ابعاد این موضوع تا آنجا گسترده شده بود که طبق گفته‌ی یکی از مردان میان‌سال: «هر کاری تشکل‌ها می‌کنند و تا حالا کرده‌اند فقط برای آدم‌های مریض بوده؛ باید خودمان را به مریضی می‌زدیم تا بتوانیم کانکسی، چیزی بگیریم. بعضی‌ها که زرنگ بودند یاد گرفته بودند تا یکی برای کمک می‌آمد (مخصوصاً اوایل کمک‌رسانی) خودشان را به مریضی می‌زدند تا چیزهای بیشتری بگیرند. این‌جور کمک کردن و فرق گذاشتن باعث شد مردم دروغ‌گو بشوند».
- حس تبعیض مذهبی: سه مذهب اصلی در سرپل ذهاب یارسان یا اهل حق، شیعه و سنی هستند. طبعاً این موضوع که آیا تمایز مذهبی بر میزان کمک‌رسانی اثر گذاشته اهمیت دارد. نظر به حساسیت‌برانگیز بودن این پرسش، طرح آن در بحث‌های گروهی متمرکز نیازمند احتیاط بود. بر پایه‌ی اطلاعات به‌دست‌آمده از گروه‌های متمرکز، تبعیض مذهبی در تخصیص کالاها و خدمات از سوی نهادهای بخش عمومی مشاهده نشده‌است. در مورد تشکل‌های غیردولتی نیز همین امر صادق بوده‌است. در عین حال، انتقادات اندکی نسبت به توجه گزاف خیّران از یک گروه مذهبی به پیروان همان مذهب در گروه‌های بحث متمرکز ابراز شد. به گفته‌ی یک مرد میان‌سال سنی: «خدا شاهد است که هیچ تبعیضی بین ما نبوده و این تشکل‌ها از هیچ‌کس نپرسیده‌اند دین و مذهبتان چیست. الان توی این محل حقی هست، سنی هست، شیعه هم هست. هیچ فرقی بین ما نگذاشتند. موقع کمک‌رسانی، آن اوایل ... اسم و فامیلمان را هم نمی‌پرسیدند؛ چه برسد به دین و

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

مذهب‌مان. الان هم می‌آیند، کد ملی و اسم و فامیلمان را می‌پرسند. اگر هم یک وقت‌هایی تبعیضی، چیزی بوده‌است، از جانب تشکل‌ها و دولت نبوده...».

زنان و کودکان

در شرایط پس از وقوع سوانح طبیعی و به‌ویژه زلزله احتمال می‌رود کودکان و زنان دچار آسیب مضاعف شوند. این امر به‌خصوص در مناطق محروم بیشتر محتمل است، زیرا کودکان و زنان در آن‌ها اغلب شرایط نامساعدتری دارند. انتظار می‌رفت که نظر به بزرگی متوسط بعد خانوار از یک سو و میزان بالای بی‌سوادی و کم‌سوادی از سوی دیگر عملکرد تشکل‌های غیردولتی در حوزه‌ی کودکان و زنان کافی نبوده باشد. اما تمام گروه‌های متمرکز بر عملکرد مطلوب تشکل‌های غیردولتی در حوزه‌ی زنان و کودکان (و نیز معلولان) صحه گذاشتند. میزان زیاد توجه به کودکان و زنان چنان بوده که سبب بروز احساس تبعیض در بقیه‌ی جامعه شده‌است.

- کودکان: طی مرحله‌ی ابتدایی پاسخگویی بعد از زلزله، بخش بزرگی از کمک‌های مردمی که توسط تشکل‌های غیردولتی بین مردم توزیع شده شامل اقلام مصرفی برای کودکان بوده‌است. شیرخشک، سرلاک، پوشک، داروهای مورد نیاز کودکان مانند کرم‌های سوختگی پا، قطره‌های تب‌بر و مولتی‌ویتامین‌های کودکان از این جمله بوده‌اند. حدود یک ماه پس از زلزله، تشکل‌ها برای کودکان بزرگ‌تر تعداد زیادی اسباب‌بازی، بازی فکری، لباس مناسب پاییزه و زمستانه، پتوی کوچک، کتاب رنگ‌آمیزی و لوازم‌التحریر توزیع کرده‌اند. رسیدگی به نیازهای کودکان به‌عنوان گروهی آسیب‌پذیر صرفاً محدوده به کالا نبوده‌است. هر تشکل غیردولتی که اقدام به توزیع کالا برای کودکان کرده، معمولاً داوطلبانی را به همراه داشته که حوزه‌ی فعالیتشان کودکان بوده‌است. گروه‌های نسبتاً بزرگی از دانشجویان رشته‌های مختلف داوطلبانه راهی منطقه‌ی زلزله‌زده شده بودند و در کنار تشکل‌های غیردولتی برای کودکان برنامه‌های گوناگونی اجرا می‌کردند. می‌توان حضور پررنگ افراد داوطلب را در تشکل‌های غیردولتی تجربه‌ای مفید ارزیابی نمود که باعث ارتقای عملکرد شده‌است. تقریباً تمام تشکل‌های غیردولتی حاضر در منطقه به نحوی قسمتی از فعالیت‌های خود را به حوزه‌ی کودکان گره زده بودند؛ شاید از این جهت که فعالیت در این حوزه امکانات مالی زیادی نمی‌طلبد. کتاب‌خوانی و احداث کتابخانه برای کودکان، تهیه‌ای ملزومات آموزشی کودکان، وسایل بازی و کاردستی از جمله فعالیت‌هایی بوده که توسط تشکل‌های غیردولتی انجام شده‌است. البته به عملکرد تشکل‌های غیردولتی در حوزه‌ی کودکان انتقاداتی هم، وارد شده‌است. به گفته‌ی یکی از

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

زنان میان‌سال حاضر در بحث‌های گروهی متمرکز: «به همه کمک شد؛ بیشتر از همه به بچه‌ها. خدا شاهد است که بچه‌های ما تا حالا این همه اسباب‌بازی و کتاب نداشته‌اند، تنها کسانی که وسایل‌شان بعد از زلزله بیشتر از قبل از زلزله بود بچه‌ها بودند. خوب، ولی تشکل‌ها مشکل هم داشتند. مثلاً ۵ تا عروسک خوشگل می‌آوردند؛ همه‌ی دخترها آن را می‌خواستند. اما مجبور بودند فقط به ۵ نفر بدهند. بچه‌ها دعوایشان می‌شد...هر صدای ماشینی که می‌آید بچه‌ها عین گداها می‌دوند سمت ماشین ... بعضی از این گروه‌ها ... چیزی دست بچه ندادند. وسیله آوردند؛ همین‌جا همه با هم اسباب‌بازی درست کردند، کاردستی درست کردند و این خیلی بهتر از این است».

- زنان: فعالیت تشکل‌های غیردولتی در حوزه‌ی زنان گستره‌ای از تأمین کالاهای بهداشتی زنانه تا اشتغال و کارآفرینی برای زنان را در برگرفته است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای ضمنی حضور تشکل‌های غیردولتی در حوزه‌ی زنان افزایش تحرک اجتماعی زنان و به‌ویژه دختران جوان پس از وقوع زلزله بوده‌است. پس از زلزله با تغییر نوع سکونت به چادرنشینی و سپس کانکس، آمد و شد زنان در شهر راحت‌تر شده و از سوی دیگر وجود سرویس‌های بهداشتی خارج از کانکس‌های محل سکونت و شستن ظروف و بعضاً آشپزی خارج از محوطه کانکس‌ها سبب گشته است که زنان آزادی بیشتری در رفت و آمد خود نسبت به قبل از زلزله داشته باشند. در امر توزیع کالا نیز اقلام بهداشتی زنان بسیار برجسته شده‌است، که البته ممکن است به علت تمرکز کمک‌های مردمی بر آن‌ها بوده و از کانال تشکل‌های غیردولتی صورت گرفته باشد. شواهد جسته و گریخته نشان می‌دهد که در پی رخدادهای قبلی زلزله در ایران ملزومات بهداشتی زنان مورد غفلت قرار می‌گرفته است. تشکل‌های غیردولتی به نیازهای زنان باردار و مثلاً تأمین داروهای مانند اسیدفولیک در سرپل ذهاب نیز توجه کرده‌اند. در زمینه‌ی اشتغال و توانمندسازی هم تمرکز ویژه‌ی تمام تشکل‌های غیردولتی معطوف به زنان بوده‌است. البته در اکثر مواقع این امر به خیاطی و صنایع دستی محدود شده‌است. این تمرکز بر اشتغال زنان بعضاً مورد انتقاد هم بوده‌است. از جمله طبق نظر یکی از زنان جوان حاضر در بحث‌های گروهی: «تشکل ... آمده برای بعضی از زن‌ها چرخ خیاطی آورده؛ یا یکی دیگر از این تشکل‌ها تولیدی زنانه زده؛ ما الان بیشتر احتیاج‌مان این است که مردهایمان کار کنند. ما با بچه‌ی کوچک و غذا درست کردن و این کارها که نمی‌رسیم کار هم بکنیم. خوب، مردهایمان چه‌کار کنند»؟

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

بهداشت و بازتوانی روانی

زندگی مردم زلزله‌زده به صور مختلف در پیوند با مسائل سلامت و بهداشت بوده است؛ از جمله بهداشت فردی، بهداشت محیط و بهداشت روانی که طبعات فردی و اجتماعی زیادی داشته‌اند. فعالیت اصلی تشکل‌های غیردولتی در این حوزه تأمین دارو و اقلام اولیه‌ی بهداشتی بوده و عملکرد مناسبی داشته‌است. به نظر می‌رسد توزیع داروها به بهترین نحو ممکن صورت گرفته و به‌ویژه داروهای اولیه به خوبی در بین مردم زلزله دیده توزیع شده‌است. برای کودکان نیازسنجی جهت تخصیص دارو انجام شده و ظاهراً داروهای توزیع‌شده به خوبی نیازهای کودکان را پوشش داده-است. در هنگام انجام این مطالعه و با گذشت زمانی حدود ٦ ماه از وقوع زلزله، خانوارهای ساکن در محله‌ی فولادی کماکان از کالاهای بهداشتی زیادی مانند صابون، شامپو، پودر رخت‌شویی، مایع ظرف‌شویی و وسایل کمک‌های اولیه برخوردار بودند. هر چند رضایت نسبی از عملکرد تشکل‌های غیردولتی به‌ویژه در حوزه‌ی تأمین دارو وجود داشت، ولی در عین مردم معتقد بودند که این خدمات نیز مانند سایر کمک‌ها سیر نزولی به خود گرفته است. طبق گفته‌ی یکی از زنان باردار: «موقعی که زلزله شد سه ماهه باردار بودم. هر کسی از این گروه‌ها می‌فهمید سریع می‌آمد فشارم را می‌گرفت. خوراکی‌ها را اول به ما می‌دادند، ولی الان که نزدیک زایمانم است هیچ‌کس نمی‌آید و هیچ‌کس به فکرم نیست».

یکی از بزرگ‌ترین انتقادات جامعه‌ی محلی نسبت به عملکرد تشکل‌های غیردولتی در حوزه‌ی بهداشت عدم تأمین کانکس سرویس بهداشتی و حمام بود. رامین یکی از جوانان اهل تشیع مشکل را این‌گونه توضیح داد: «بزرگ‌ترین مشکل بهداشتی ما حمام و سرویس‌های بهداشتی و زباله است. الان هر تشکلی آمده است برای ما مشت مشت دارو آورده است. ما نمی‌گوییم آوردن دارو بد است، ولی مشکلات اصلی ما باقی مانده‌است، هر ۱۰ خانوار این‌جا یک حمام دارند. جسارت است، ولی زن‌های ما از این گرفتاری‌های زنانه پیدا کرده‌اند».

در حوزه‌ی بازتوانی روانی، نداشتن وحدت رویه در عمل مشکل‌آفرین بوده است. مثلاً بعضی از تشکل‌ها از کودکان خواسته‌اند که نقاشی زلزله را بکشند و در مورد زلزله صحبت کنند، ولی برخی دیگر از مادران خواسته‌اند که هرگونه گفت‌وگویی را راجع به زلزله متوقف نمایند. قطع نظر از این، دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز حاکی از وجود ارتباط میان بیکاری مردان با کج‌خلقی مردان، اختلافات زوجین، کج‌خلقی زنان و روابط نامناسب مادران و کودکان بود. طبق نظر جامعه‌ی محلی، تا زمانی که مشکل بیکاری مردان برطرف نمی‌شد، بازتوانی روانی معنا پیدا نمی‌کرد. اکثر شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز اکثر مشکلات اجتماعی موجود در محله را ناشی از بیکاری می‌دانستند که بعد از وقوع زلزله بسیار تشدید شده بود. تقریباً همه‌ی افراد حاضر در

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

گروه‌های متمرکز عملکرد تشکل‌های غیردولتی در حوزه بهداشت روان را مثبت تلقی می‌کردند (به‌ویژه در مورد کودکان)، ولی آن را کافی نمی‌دانستند. از جمله فعالیت‌ها را مانند مسکّنی می‌دانستند که به‌طور مقطعی ممکن است باعث التیام درد شود، ولی در طولانی‌مدت چاره‌ساز نیست.

توانمندسازی و بازسازی

از نظر افراد حاضر در گروه‌های متمرکز، عملکرد تشکل‌های غیردولتی در مرحله‌ی پاسخگویی بسیار مناسب بوده‌است. اما رضایت از فعالیت‌ها هرچه به مرحله‌ی بازسازی نزدیک‌تر شده کاهش یافته‌است. یکی از مهم‌ترین نقدهایی که اکثر حاضران در گروه‌های متمرکز به تشکل‌های غیردولتی وارد می‌کردند عدم فعالیتشان در حوزه‌های بازسازی و توانمندسازی بود. گرچه از نظر جامعه‌ی هدف تشکل‌های غیردولتی در حوزه کارآفرینی و اشتغال‌زایی فعالیت داشته‌اند اما تمرکزشان بر کارآفرینی زنان بوده‌است؛ درصورتی‌که نتایج حاصل گروه‌های متمرکز زنان و مردان حاکی از آن بود که هم زنان و هم مردان اشتغال و کارآفرینی جهت مردان را دارای اولویت بسیار بیشتری می‌دانستند.

سلبریتی‌ها (هنرمندان و ورزشکاران)

کمک‌رسانی پس از زلزله‌ی کرمانشاه را می‌توان اولین بستری در ایران دانست که گروهی به نام سلبریتی به‌صورت منظم در فرآیند آن شرکت کردند. یکی از دلایل این امر از دید افراد حاضر در گروه‌های متمرکز شبکه‌های مجازی و به‌ویژه تلگرام و اینستاگرام بود. فضای مجازی لبریز از شماره حساب‌هایی بوده که از سوی هنرمندان و ورزشکاران برای تجمیع کمک‌های مردمی ارائه می‌شده‌است. این کمک‌ها از سوی استانداری کرمانشاه در حدود ۱٦ میلیارد تومان برآورد شده که بخش عمده‌ی آن در اختیار سه یا چهار نفر قرار گرفته‌است.

نظر افراد حاضر در گروه‌های متمرکز در مورد عملکرد سلبریتی‌ها هم مثبت و هم منفی بود. علیرغم تراکنش مالی بسیار بالا، هیچ صحبتی در مورد سوءاستفاده‌ی احتمالی از مبالغ اهدایی نشد. با این وجود، افراد حاضر در گروه‌های متمرکز نسبت به توزیع منابع که توسط سلبریتی‌ها انجام شده‌است، انتقادات عدیده‌ای داشتند. به‌عنوان مثال یکی از زنان در این باره اظهار داشت: «راجع به هنرمندان و بازیگران به این صورت بوده که برای یک عده خوب بوده؛ برای ما خوب نبوده‌است. آیا در این جمع هیچ‌کسی بوده از این‌ها کمک گرفته باشد؟ هیچ‌کسی نبوده‌است». شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز معتقد بودند کمک‌هایی که توسط سلبریتی‌ها تخصیص یافته صرفاً به دست تعداد محدودی از افراد رسیده و به خوبی توزیع نشده‌است. علاوه بر انتقاداتی که بر توزیع منابع به سلبریتی‌ها وارد می‌شد، جامعه‌ی محلی از این‌که برخی از آنان از وضعیت ناگوار منطقه‌ی زلزله‌زده مجالی برای خودنمایی یافته بودند، احساس نارضایتی می‌کردند. گرفتن عکس و فیلم از بدترین

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

شرایط زندگی مردم و انتشار آن در فضای مجازی برای جامعه سانحه دیده، ناخوشایند بود. از آن‌جا که نزد مردم تشکل‌های غیردولتی و سلبریتی‌ها مشابهت زیادی داشتند (غیرانتفاعی، غیردولتی و داوطلبانه بودند)، انتظار می‌رفت عملکردهای این دو گروه با هم دیده شود. در عمل نیز نارضایتی مردم از این دو گروه در برخی از زمینه‌ها همپوشانی داشت. به‌عنوان مثال، از مهم‌ترین انتقادات جامعه به هر دوگروه تشکل‌های غیردولتی و سلبریتی‌ها توزیع نامناسب منابع مالی و کالا بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مطالعات میدانی جهت مقاله‌ی حاضر در شرایط پس از وقوع زلزله و با تمرکز بر فعالیت‌های تشکل‌های غیردولتی جهت جامعه‌ی سانحه دیده انجام شده‌است. به‌جای تمرکز مستقیم بر عملکرد تشکل‌های غیردولتی، تاثیر حضور آن‌ها از منظر زلزله‌زدگان مورد توجه قرار گرفته‌است. اتخاذ روش کیفی و نزدیکی هر چه بیشتر به جامعه‌ی هدف (اهالی محله‌ی فولادی سرپل ذهاب) این امکان را فراهم آورده تا دیدگاه‌های جامعه‌ی محلی در مورد فعالیت‌های تشکل‌های غیردولتی ثبت و تحلیل شود. طبق یافته‌ها، شناخت مردم نسبت به تشکل‌های غیردولتی پیش از زلزله بسیار کم بوده، ولی در پی وقوع فاجعه افزایش زیادی یافته‌است. میزان اعتماد مردم به تشکل‌های غیردولتی در سطحی بالاتر در مقایسه با نهادهای بخش عمومی قرار گرفته‌است. از جمله اهالی عملکرد تشکل‌های غیردولتی را در مرحله‌ی نخست امدادرسانی (به‌خصوص تهیه‌ی ملزومات اولیه و خدمات‌رسانی جهت زنان و کودکان) بسیار رضایت‌بخش قلمداد کرده‌اند. اما بر آن بوده‌اند که فعالیت‌ها در مراحل بعدی سیری نزولی طی کرده‌است. احساس تبعیض در میان جامعه‌ی سانحه دیده بسیار گسترده بوده و اکثر شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز این باور را داشته‌اند که دیگران از آنان کمک‌های بیشتری دریافت کرده‌اند. موارد آن شامل احساس تبعیض میان شهر و روستا (برخورداری بیشتر روستا)، احساس تبعیض در دسترسی به دلیل مکان اسکان و احساس تبعیض بر پایه‌ی میزان آسیب‌پذیری (خانوارهای دارای اعضای آسیب‌پذیر کمک‌های بیشتری دریافت کرده‌اند) شده‌است. اما ظاهراً احساس تبعیض بر اساس مذهب در میان اهالی ایجاد نشده‌است. خدمات عرضه‌شده از سوی تشکل‌های غیردولتی جهت کودکان و زنان بسیار گسترده بوده و به عقیده‌ی برخی از شرکت‌کنندگان در گروه‌های متمرکز موجب غفلت فعالیت‌ها از مسائل دیگر از جمله مشکلات بیکاری مردان شده‌است؛ به‌خصوص از آن‌جا که اقدامات معطوف به اشتغال و کارآفرینی نیز متوجه زنان بوده‌است. در حوزه‌ی سلامت، هرچند خدمات بیشتر شامل کالاهای بهداشتی و دارو بوده، ولی بازتوانی روانی هم در دستور کار قرار گرفته است. با این حال، فعالیت‌های بازتوانی روانی فاقد وحدت رویه بوده و جامعه‌ی هدف را دچار سردرگمی کرده است. در کل، بنا به نظرات اعضای

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

جامعه‌ی محلی که در بحث‌های گروهی متمرکز ابراز شده، عملکرد تشکل‌های غیردولتی در مرحله‌ی پاسخ‌گویی مطلوب و در مراحل بعدی ناکافی بوده‌است.

شواهد به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که گستره‌ی فعالیت تشکل‌های غیردولتی در ایران پس از بلایای طبیعی تا حد زیادی مشابه موارد یادشده در مطالعات بین‌المللی است (گیبسون و ویزنر، ۲۰۱۹؛ لاسا، ۲۰۱۸؛ شاو و گودا، ۲۰۰٤؛ شاو، ۲۰۰۳). همچنین، یافته‌های مطالعهٔ حاضر مانند یافته‌های پژوهش فلاح و حسینی‌نژاد (۲۰۱۸) حاکی از لزوم بهبود آمادگی و فرآیند پاسخ‌گویی و نیز ارتباط بهتر تشکل‌های غیردولتی با نهادهای بخش عمومی در پی سوانح زلزله است.

پیشنهاد می‌شود تشکل‌های غیردولتی فعال در حوزه‌ی کمک‌رسانی و خدمات‌رسانی پس از سوانح با ایجاد شبکه‌ای ویژه و برگزاری جلسات کاری پیوسته برای تقلیل چالش‌های یادشده جهت رخدادهای آتی برنامه و دستورالعمل تهیه کنند. پیشنهاد دیگر آن است که با ایجاد شبکه‌ای از تمام ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان (شامل نهادهای بخش عمومی و تشکل‌های غیردولتی و سلبریتی‌ها و خیّران) نحوه‌ی کمک‌رسانی و خدمات‌رسانی در پی سوانح بهبود یابد و از هم‌پوشانی فعالیت‌ها و دوباره‌کاری و نیز گزاف‌کاری در بعضی فعالیت‌ها و کم‌کاری در برخی دیگر جلوگیری شود. جهت تحقیقات آتی، توصیه می‌شود نقش تشکل‌های غیردولتی کشور نه‌تنها در اقدامات لازم پس از سوانح زلزله بلکه در کاهش ریسک بلایای طبیعی نیز مورد توجه قرار گیرد.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

منابع:

۱. جهانگیری، کتایون (۱۳۹٤) **اصول و مبانی مدیریت بحران**، تهران: موسسه آموزش عالی علمی-کاربردی هلال احمر ایران.

۲. زارع، مهدی و فرناز کامران‌زاده (۱۳۹٦) **مقدمه‌ای بر تحلیل ریسک زمین‌لرزه**، تهران: کیمیا خرد پارس.

۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه (۱۳۹۷) **بررسی زلزله‌ی استان کرمانشاه**، کرمانشاه: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه.

٤. علاءالدینی، پویا (۱۳۹۰) **بازسازی مناطق زلزله‌زده و کاهش آسیب‌پذیری در ایران: جنبه‌های اجتماعی و مدیریتی**، تهران: جامعه‌شناسان.

۵. علاءالدینی، پویا؛ فرضی‌زاده، زهرا؛ عزیزی‌مهر، خیام و نسیم یگانه (۱۳۹۹) «بازسازی و توسعه‌ی محلی پس از سوانح: برخی چالش‌ها در مناطق زلزله‌زده‌ی استان کرمانشاه»، **توسعه‌ی محلی (شهری-روستایی)**، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۲: ٦۱۹-٦٤۲.

٦. عنبری، موسی (۱۳۹۳) **جامعه‌شناسی فاجعه: کندوکاوی علمی پیرامون حوادث و سوانح در ایران**، تهران: دانشگاه تهران.

۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹٦) **سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵**.

8. Fallah, S. & Hosseini nejad, J. (2018) «The Role of Non-Governmental Organizations in Disaster Management: A Case study of Bam Earthquake, Iran», **Journal of Disaster and Emergency Research**, Vol. 1, No. 1: 43-50.
9. Gibson, T. & Wisner, B. (2019) «Global Overview of the Role of Non-Governmental Organizations in Natural Hazard Governance», **Oxford Research Encyclopedias: Natural Hazard Science**:https://doi.org/10.1093/acrefore/9780199389407.013.187.
10. Khan, M. R. & Ashiqur Rahman, M. (2007) «Partnership Approach to Disaster Management in Bangladesh: A Critical Policy Assessment», **Natural Hazards**, Vol. 41: 359-378.
11. Kusumasari, B. (2019) «Natural Hazards Governance in Indonesia», **Oxford Research Encyclopedias: Natural Hazard Science:**https://doi.org/10.1093/acrefore/9780199389407.013.234.
12. Lassa, J. A. (2018) «Roles of Non-Government Organizations in Disaster Risk Reduction», **Oxford Research Encyclopedias: Natural Hazard Science:**https://doi.org/10.1093/acrefore/9780199389407.013.45.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]

13. Luna, E. M. (2001) »Disaster Mitigation and Preparedness: The Case of NGOs in the Philippines», **Disasters**, Vol. 25, No. 3: 216–226.
14. Mayo, M. & Graig, G. (1995) «Community Participation and Empowerment: The Human Face of Structural Adjustment or Tools for Democratic Transformation? », in Gary Graig & Marjorie Mayo (eds.), **Community Empowerment: A Reader in Participation and Development**, London: Zed book, pp. 1-11.
15. Saunders, B.; Sim, J.; Kingstone, T.; Baker, S.; Waterfield, J.; Bartlam, B.; Burroughs, H. & Jinks, C. (2018) «Saturation in Qualitative Research: Exploring Its Conceptualization and Rationalization». **Quality & Quantity**, Vol. 52: 1893-1907.
16. Seddiky, M. A.; Giggins, H. & Gajendran, T. (2020) «International Principles of Disaster Risk Reduction Informing NGOs Strategies for Community Based DRR Mainstreaming: The Bangladesh Context», **International Journal of Disaster Risk Reduction**, Vol. 48: 101580.
17. Shaw, R. & Goda, K. (2004) «From Disaster to Sustainable Civil Society: The Kobe Experience», **Disasters,** Vol. 28, No. 1: 16-40.
18. Shaw, R. (2003) «The Role of Nongovernmental Organizations in Earthquake Disaster Management: An Asian Perspective», **Regional Development Dialogue**, Vol. 24, No. 1: 117-119.
19. United Nations (2017) NGO **Relations**. Retrieved December 15, 2017 from http://outreach.un.org/ngorelations.
20. United Nations [Economic and Social Commission for Asia-Pacific] (2019) Asia-**Pacific Disaster Report 2019**.Retrieved from:www.unescap.org/publications/asia-pacific-disaster-report-2019.
21. United Nations [Office for the Coordination of Humanitarian Affairs] (2019) **Iran**. Retrieved from :https://www.unocha.org/middle-east-and-north-africa-romena/iran.
22. Yin, R. K. (2003) **Case Study Research: Design and Methods** (3rd Ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-10-12]